



Explaining the Impact of Globalization on Status Seeking of Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia

10.30495/PIR.2024.1989833.3644

Fazel Hassan Zadeh ¹, Amin Ravanbod ^{2*}, Ghafar Zarei ³

Received:2023/11/15
Accepted:2024/01/08

Research Article

Abstract

In one hand, this research accepts the inevitable developments in international environment due to globalization and on the other hand, recognizing the state as the most important international actor, tries to explain one of the most influential state's acts in the globalized space. The purpose of this research is to explain the impact of globalization on dynamics of status seeking of Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia. This research is done with descriptive-analytical method. Findings of this research show that in lack of collective security system in the Middle East, the strategy of social competition is an attractive option for Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia. The competitive relations among states in the Middle East have been an obstacle toward creating inclusive institutions and common concept of security. Consequently, the strategy of social mobility has not been a functional one in the region. Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia in order to utilize the strategy of social creativity should demonstrate more compliance with global values and norms.

Keywords: Globalization; Islamic Republic of Iran; Middle East; Status Seeking; Saudi Arabia.

Hassan Zadeh, F., Ravanbod, A., & Zarei, Gh. (2023). Explaining the Impact of Globalization on Status seeking of Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia. *Journal of Political And International Research*, 15(56), pp. 1-14.

¹ Ph.D. Candidate, Department of Political science, Islamic Azad University of Lamerd, Lamerd, Iran. fh.bahar2018@yahoo.com

² Assistant Professor, Department of Political science, Islamic Azad University of Lamerd, Lamerd, Iran. aravanbod@gmail.com
(Corresponding Author)

³ Assistant Professor, Department of Political science, Islamic Azad University of Lamerd, Lamerd, Iran. ghafarzarei@yahoo.com



تبیین تأثیر جهانی شدن بر منزلت طلبی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی

10.30495/PIR.2024.1989833.3644

فاضل حسن زاده^۱، امین روان بد^{۲*}، غفار زارعی^۳

مقاله پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۲۴
	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۸

چکیده

این پژوهش از یک سو با پذیرش تحولات انکارناپذیر حاصل از جهانی شدن در محیط بین‌المللی و از سوی دیگر با شناسایی موقعیت دولتها به عنوان مهمترین بازیگران بین‌المللی به دنبال تبیین یکی از تاثیرگذارترین کنشهای دولت در فضای جهانی شده است. منزلت طلبی یکی از اقداماتی است که دولتها در عرصه بین‌المللی انجام میدهند و سعی در ارتقای جایگاه خود در عرصه بین‌المللی دارند. هدف پژوهش حاضر این است که تاثیرات جهانی شدن بر پویتهای منزلت طلبانه جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی را توضیح دهد. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. یافته‌های پژوهش در خصوص پویتهای منزلت طلبانه جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی نشان می‌دهد که در فقدان سیستم امنیت دسته جمعی گزینه رقابت اجتماعی به عنوان گزینه در دسترس و مقبول برای دو کشور جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی جلوه می‌کند. از دیگر سو، وضعیت روابط عمدتاً رقابتی میان بازیگران دولتی در منطقه خاورمیانه مانع از آن شده است که نهادها و مجامع فراگیری تشکیل شود و یا مفاهیم مشترکی از امنیت شکل گیرد و در چنین بافتی از سیاست در خاورمیانه استراتژی تحرک اجتماعی کارایی چندانی برای دولتها نداشته است. از دیگر سو جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی جهت به کارگیری خلاقیت اجتماعی بایست همراهی و پای بندی بیشتری به هنجارها و ارزشهای جهانشمول از خود نشان دهند.

واژگان کلیدی: جهانی شدن، منزلت طلبی، جمهوری اسلامی ایران، خاورمیانه، عربستان سعودی

حسن زاده، فاضل؛ روان بد، امین؛ زارعی، غفار (۱۴۰۲). تبیین تأثیر جهانی شدن بر منزلت طلبی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی. فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۵۶، صفحات ۱۴-۱.

^۱ دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران. Fh.bahar2018@yahoo.com
^۲ استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران (نویسنده مسئول). aravanbod@gmail.com
^۳ استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران. ghafarzarei@yahoo.com

مقدمه

یکی از سوالات مطرح در باب سیاست بین الملل تداوم یا تحول شرایطی بوده است که کشورها در آن به کنش می‌پردازند. آیا فرایندهایی مانند قدرت طلبی یا جستجوی ثروت همیشه در فضایی با ویژگیهای ثابت روی داده است و یا اینکه محیط کنش و فعالیت دولتها و دیگر بازیگران بین المللی تحول پیدا کرده و حتی دگرگون شده است؟ برخی نظریات مختلف روابط بین الملل با تکیه بر تعریف و ویژگیهای نظام بین المللی پاسخهای متفاوتی به این سوال داده اند. به عنوان نمونه، نواقح گرایان بر این باورند که محیط آنارشیک بین المللی تغییر نکرده و بازیگران نیز کارکردهای مشابهی مانند امنیت طلبی را با توجه به فرصتها و مقتضیات محیط بین المللی دنبال کرده اند. از سوی دیگر، نظریاتی مانند سازه انگاری به تحول محیط آنارشیک بین المللی اشاره کرده و کیفیتهای متفاوتی از حیات بین المللی را با توجه به فرهنگهای مختلف آنارشی مشخص کرده اند.

دسته دیگری از نظریات که بر متحول شدن محیط کنش بازیگران بین المللی تاکید دارند و اساسا سعی در توضیح و تبیین همین تحول دارند نظریات جهانی شدن هستند. نظریات جهانی شدن که عمدتا نظریاتی جامعه شناختی هستند تحول و تغییر در محیط بین المللی در معنای درهم تنیدگی و پیچیدگی تعاملات انسانی را تشریح کرده و توضیح می‌دهند. برخی نظریاتی که جهانی شدن را در بافت سیاست بین الملل دنبال کرده اند عمدتا معطوف به تغییراتی هستند که در آینده سیاست بین الملل روی می‌دهد و یا بیش از حد در خصوص تاثیرات جهانی شدن مبالغه کرده اند و مطالبی را در تباین با برداشت و ادراک کلاسیک از سیاست بین الملل مطرح کرده اند. به عنوان نمونه، درک کلاسیک از سیاست بین الملل این است که دولتها مهمترین بازیگران در نظام و محیط بین المللی هستند و عمده نظریاتی که بر تحول در محیط بین المللی تاکید داشته اند سعی کرده اند این درک کلاسیک را رد کنند و این ادعا را مطرح کرده اند که دولتها دیگر مهمترین بازیگران بین المللی نیستند. به طور مشخص نظریاتی در روابط بین الملل که بر وقوع جهانی شدن تاکید داشته اند، فرایند جهانی شدن را همراه با کاهش نقش دولت در محیط بین المللی تفسیر کرده اند. با این حال، واقعیت موجود در روابط بین الملل همچنان نشان می‌دهد که دولتها مهمترین بازیگران بین المللی هستند و تصمیماتشان بیشترین اثرگذاری را بر جامعه بشری و زمین دارد. از سوی دیگر باید پذیرفت که در نتیجه جهانی شدن انحصار دولتها در بسیاری از عرصه ها نیز از بین رفته است.

این پژوهش از یک سو با پذیرش تحولات انکارناپذیر حاصل از جهانی شدن در محیط بین المللی و از سوی دیگر با شناسایی موقعیت دولتها به عنوان مهمترین بازیگران بین المللی به دنبال تبیین یکی از تاثیرگذارترین کنشهای دولت در فضای جهانی شده است. منزلت طلبی یکی از اقداماتی است که دولتها در عرصه بین المللی انجام میدهند و سعی در ارتقای جایگاه خود در عرصه بین المللی دارند.

مساله اصلی پژوهش حاضر این است که منزلت طلبی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در فضای جهانی شده چگونه صورت می‌پذیرد و به عبارت بهتر، جهانی شدن چه تاثیراتی بر منزلت طلبی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی دارد؟

۱- پیشینه پژوهش

پژوهشهای پیشین که نزدیک به موضوع پژوهش حاضر هستند یا به طور مشخص به بررسی جهانی شدن و ابعاد آن پرداخته اند و تاثیرات آن را بر کلیت منطقه خاورمیانه بررسی کرده اند و یا به طور خاص به منزلت طلبی پرداخته و یا منزلت طلبی ایران و عربستان سعودی را بررسی کرده اند. در میان پژوهشهایی که به طور خاص مقوله جهانی شدن را ارزیابی کرده اند می‌توان به مقاله جهانی شدن و اثرات آن نوشته ابوالقاسم طاهری اشاره کرد. او معتقد است که جهانی شدن صرفا یک پدیده اقتصادی نیست و تمام جنبه های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی زندگی بشر را در بر می‌گیرد و اثرات جهانی شدن بر دموکراسی و حاکمیت دولتها را بررسی کرده است. (طاهری، ۱۳۸۱) جلال پور، پای فرد و فلاح در مقاله ای تحت عنوان افول مفهوم دولت-ملت در عصر جهانی شدن در همین راستا بدین نکته اشاره می‌کنند که ظهور فرایند جهانی شدن با تکیه انقلاب

اطلاعاتی و محل‌زدایی حاصل از جهانی شدن، ظهور پدیده‌ی حقوق بشر جهانی، مرزهای دولت ملی را کمرنگ تر کرده است و سلطه‌ی مطلق سنتی را دچار محدودیت کرده است. (جلال پور و دیگران، ۱۳۹۴) تاثیر جهانی شدن بر مقوله هویت نیز از موضوعات مورد توجه پژوهشگران بوده است که می‌توان به مقاله جهانی شدن و مسئله قومیتها نوشته شاکری خوئی، ایروانلو و ظهیری اشاره کرد. این پژوهش تلاش داشته است تا تقویت قومیت‌گرایی حاصل از جهانی شدن را توضیح دهد. (شاکری خوئی و دیگران، ۱۳۹۸) یزدانی و مروتی نیز در راستای همین خط پژوهشی چالشهای جهانی شدن برای هویت ملی را بررسی کرده‌اند. آنها حفظ سطوح مختلف هویت شهروندان در تعامل سازنده با جهان بیرون و استفاده از فرصتهای جهانی از جمله فناوریهای ارتباطی و اطلاعاتی را مهم ارزیابی می‌کنند. (یزدانی و مروتی، ۱۳۹۰)

خط پژوهشی دیگر در این راستا عبارت است از تاثیر جهانی شدن بر کلیت منطقه خاورمیانه و فرایندهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن. جلیلود معتقد است که «جهانی شدن آگاهی‌های ملی، قومی و شهروندی را بالا می‌برد و بدین سان مردم برای رسیدن به حقوق خود وارد جدال با دولت می‌شوند. این امر به ویژه در منطقه خاورمیانه که در آن بسیاری از دولت‌ها هنوز تلاش می‌کنند مدل وستفالیایی دولت-کشور را حفظ کنند، به چشم می‌خورد. (جلیلود، ۱۳۸۸) برخی پژوهشگران معتقدند که اجرای اصلاحات اقتصادی، افزایش میزان ادغام‌پذیری، خصوصی‌سازی، تنوع‌سازی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی از نتایج مواجهه با فرایندهای ناشی از جهانی شدن در کشورهای عربی منطقه خلیج فارس است. (اشرف نظری و قنبری، ۱۳۹۷)

همانگونه که ملاحظه می‌شود کتاب، مقاله یا پایان‌نامه‌ای پیش از پژوهش حاضر به طور مشخص به موضوع تاثیر جهانی شدن بر پویشهای منزلت‌طلبی ایران و عربستان سعودی نپرداخته است و پژوهش حاضر از این منظر از پژوهشهای پیشین متمایز است.

۲- چارچوب نظری: جهانی شدن

پیش از بررسی پویشهای منزلت‌طلبی در محیط روابط بین‌المللی کنونی که تاثیرات انکارپذیری از فرایند جهانی شدن داشته است، نگاهی کلی به فرایند جهانی شدن خواهیم داشت و سپس ابعاد مشخص جهانی شدن که تاثیرات قابل توجهی بر پویشهای منزلت‌طلبی دارند در بخشهای بعدی به طور مشروح بررسی می‌شوند. مفهوم جهانی شدن از ابتدای پیدایش در متون نظریه اجتماعی برای توصیف یک فرایند، شرایط، نظام یا نیرو به کار گرفته شده است. در مباحث نظریه اجتماعی جهانی شدن عمدتاً بر درهم‌تنیدگی روابط اجتماعی و فشردگی زمان-مکان تاکید می‌شود. جهانی شدن از نظر گیدنز نوعی تحول در فضا و زمان است که امکان تحقق کنش از دور را فراهم می‌کند. جهانی شدن به منزله پدیده‌ای دیالکتیکی است که حوادث در یک سوی زمین بر نقاطی بسیار دور در دیگر سوی زمین اثرات مشخص دارد: «جهانی شدن را می‌توان به مثابه افزایش و تقویت روابط اجتماعی در گستره جهان تعریف کرد که مناطق جغرافیایی دور از هم را به گونه‌ای به یکدیگر ارتباط می‌دهد که رویدادهای واقع شده در یک نقطه بر اتفاقات منطقه دیگر که در فاصله بسیار دور واقع شده اثر می‌گذارد و بالعکس.» (Giddens, 1991: 22) به واقع تاکید اصلی گیدنز بر درهم‌تنیدگی زمان-مکان و روابط اجتماعی است. از همین منظر اجتماعی، رابرتسون بر فشردگی جهان و افزایش آگاهی از کلیت جهان تاکید دارد. (Robertson, 1992) در این محیط جهانی شده، روابط اجتماعی از محیطهای محلی هم‌کنش جدا شده و این محیط‌ها در راستای پهنه‌های نامحدود زمانی و مکانی تجدید ساختار می‌دهند (سلیمی، ۱۳۸۴: ۲۴۹) در این راستا، از اهمیت جغرافیا و تاثیرات مکانی بر روابط اجتماعی کاسته شده است و دسترسی به اطلاعات و آگاهی در هر نقطه و با سرعتی بسیار بیشتر از قبل ممکن خواهد بود. گسترش فناوریهای انتقال اطلاعات و نسل‌های جدید ارتباط اینترنتی همگی این روند را تشدید کرده‌اند.

۳- منزلت طلبی در محیط جهانی شده

برای درک پویسهای منزلت طلبی در محیط جهانی شده ابتدا می بایست تعریفی از منزلت داشته باشیم. راینهارت وولف بر این باور است که رتبه اجتماعی^۷ یعنی جایگاه مشخص در یک سلسله مراتب اجتماعی، معنای اصلی مفهوم منزلت است (Wolf, 2019: 1188) دستیابی به منزلت بالاتر نیاز انسان برای تمایز با دیگران را برآورده می کند و احساس خوبی به افراد دارای این منزلت برتر می دهد و در عین حال، آنها بر افرادی که رتبه پایین تری در سلسله مراتب اجتماعی دارند اعمال نفوذ می کنند. در نظریه هویت اجتماعی سه سازوکار برای دستیابی به منزلت تعریف شده است: تحرک اجتماعی^۸، رقابت اجتماعی^۹ و خلاقیت اجتماعی^{۱۰}. (Larson and Shevchenko, 2010) در ادامه تعریف مختصری از این سازوکارها ارائه میگردد و تاثیر جهانی شدن بر آنها بررسی می شود.

۳-۱- جهانی شدن و تحرک اجتماعی

در مقوله تحرک اجتماعی، گروه برای کسب عضویت در گروههای دارای منزلت بالاتر به همراهی و پایبندی به هنجارهای گروه نخبه اقدام می کند. اتخاذ استراتژی تحرک اجتماعی در محیط بین المللی بدین معناست که بازیگر بین المللی به پیروی از هنجارهای گروهها و قدرتهای برتر می پردازد تا با پذیرش از سوی آنها منزلت بالاتری کسب کند. در این حالت، بازیگر دولتی خود را به هنجارهای گروه مرجع نزدیک می کند. کوشش دولتها برای عضویت در سازمانهای بین المللی از این منظر قابل توضیح است.

برای آنکه تاثیر جهانی شدن بر تحرک اجتماعی را بررسی کنیم به تاثیر جهانی شدن بر گسترش نهادهای بین المللی توجه خواهیم کرد. افزایش تعداد و اهمیت سازمان های بین المللی و منطقه ای و بازیگران فراملی غیردولتی از ویژگیهای جهانی شدن است. شبکه های فراملی سازمانهای بین المللی و سازمانهای غیردولتی که کارکردها و نقش های سیاسی ایفا می کنند به طور قابل توجهی یک سیستم جدید حکمرانی جهانی را ایجاد کرده اند.

سازمان ملل با پایان جنگ سرد فعال تر گردیده و نقشهای بیشتری، همچون صلح سازی و دخالت بشر دوستانه را عهده دار گردیده است. سازمان ملل، گرچه هنوز از یک حکومت جهانی فاصله دارد، اما به مثابه یک سیستم حکمرانی جهانی عمل می کند یعنی یک مجمع جهانی برای مذاکره فراهم کرده و معیارهای توسعه را مشخص نموده و بعضی اوقات هنجارها را از طریق شورای امنیت اجرا می کند. شماری از موافقتنامه های چندجانبه بین المللی برای مواجهه با چالشهای جهانی نظیر تهدیدات زیست محیطی نیز در چارچوب سازمان ملل مورد مذاکره قرار گرفته اند. حکمرانی جهانی، نه تنها شامل نهادها و سازمانهای رسمی می شود که در آنها قوانین و هنجارهای مدیریت نظم جهانی ایجاد می شود بلکه بازیگران غیردولتی شامل گروههای فشار، شرکتهای چندملیتی و جنبشهای اجتماعی فراملی را دربرمی گیرد.

رشد سازمانهای غیردولتی و ظرفیت آنها برای تحت تاثیر قراردادن سیاست جهانی از ویژگیهای برجسته نظام جهانی کنونی است. آنها نه تنها به عنوان گروههای فشار عمل می کنند بلکه این سازمانها طیفی از کارکردهای سیاسی را که دولتها از فراهم کردن آنها عاجز هستند یا آنها را به سازمان غیردولتی واگذار نموده اند انجام می دهند. هم چنین این سازمانها به طور فزاینده ای از مشارکت کنندگان در حکمرانی جهانی محسوب می شوند. سازمانهای غیردولتی همراه با سازمان ملل بر هنجارها و رژیم هایی که به طور روزافزونی جهانی شده لند نیز تاثیر می گذارند. به عنوان مثال، هنجارهای مرتبط با حقوق زنان و حقوق بشر می توانند تاثیر قابل توجهی بر رفتار دولت داشته باشند.

رشد چشمگیر اقتصاد و درهم تنیدگی تجارت جهانی نیز از نمودهای جهانی شدن هستند. جریانهای مالی بین المللی نیز در حال حاضر با ادغام اقتصادهای درحال گذار بلوک کمونیستی سابق و کشورهای درحال توسعه جهانی تر شده است. تا

7 Social Rank.

8. Social Mobility

9. Social Competition

10. Social Creativity

دهه ۱۹۹۰ سرمایه‌گذاران بین‌المللی به بازارهای موسوم به بازارهای در حال پیدایش همچون آمریکای لاتین علاقه پیدا کردند.

شرکت‌های چندملیتی نیز در این موقعیت جدید فعالیت و حضور بیشتری داشته‌اند. همه مناطق جهان میزبان شرکت‌های چندملیتی یا شعبات خارجی آنها هستند. اتصال اقتصادهای در حال گذار و در حال توسعه به نظام اقتصاد جهانی با آزادسازی اقتصاد این کشورها یعنی کاهش محدودیت‌های دولتی در اقتصادهایشان تحقق یافته است. از اوایل دهه ۱۹۹۰ اغلب کشورها به آزادسازی مقررات سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مبادرت نموده و فعالانه ورود سرمایه را تشویق می‌کنند. در حقیقت، از سال ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۱، ۹۵ درصد از جرح و تعدیل‌هایی که کشورها در سیاست‌های تجاری خود به عمل آوردند، در جهت آزادسازی تجاری بود. اغلب اقتصادها به سمت اقتصادهای لیبرال بازار حرکت کرده‌اند. این هم‌گونگی اقتصادی نوعی نهادینه شدن در یک مقیاس جهانی بوده است؛ نهادهای سیستم برتون وودز، مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، هم اکنون کشورهای بیشتری را در سراسر جهان پذیرا شده‌اند. مهمترین تحول، صورتبندی اصول توافق عمومی تعرفه و تجارت (گات) در چارچوب سازمان تجارت جهانی و توسعه سازمان تجارت جهانی، برای دربرگیری اغلب کشورهای جهان می‌باشد که یک رژیم تجاری جهانی را نهادینه ساخته است.

به عنوان نمونه می‌توان به گروه بریکس اشاره کرد. اقتصادهای نوظهور که ظرفیت رشد و توسعه اقتصادی بالایی دارند در سال‌های اخیر تلاش‌های جدیدی برای ارتقای جایگاه و منزلت خود در اقتصاد بین‌الملل انجام داده‌اند. گروه بریکس یک اتحاد اقتصادی میان برزیل، هند، روسیه، چین و آفریقای جنوبی است. کشورهای عضو بریکس بر بازسازی ساختار مالی جهانی تاکید کرده‌اند.

بنابراین همانگونه که ملاحظه می‌شود جهانی شدن دست کم در بعد اقتصادی خود با پیدایش نهادهای جدید بین‌المللی کشورها را در مسیر اتخاذ هرچه بیشتر استراتژی تحرک اجتماعی قرار داده است. کشورها برای عقب‌نماندن از قافله اقتصاد جهانی سعی می‌کنند هر چه بیشتر در نهادها و گروه‌بندی‌های اقتصادی جهانی عضو شوند.

۳-۲- جهانی شدن و رقابت اجتماعی

هر گاه بازیگر بین‌المللی امکان عضویت در گروه‌های مرجع را نداشته باشد و یا موقعیت آن گروه را مشروع نداند، به استراتژی رقابت اجتماعی روی می‌آورد و برای اثبات منزلت خود به اقدامات تنش‌زا دست می‌زند. اقداماتی نظیر مسابقه تسلیحاتی نمایش نظامی و جنگ در ابعاد محدود یا گسترده در استراتژی رقابت اجتماعی به کار گرفته می‌شوند.

برای بررسی تاثیر جهانی شدن بر رقابت اجتماعی باید جهانی شدن در بعد سیاسی را بررسی کنیم. مهمترین سوال در بافت جهانی شدن سیاست این است که آیا نظم وستفالی و آموزه‌های حاصل از آن همچنان به حیات خود در فضای جهانی شده ادامه می‌دهند؟ مهمترین محصول نظم وستفالی پیدایش دولت دارای حاکمیت بود. «از نیمه قرن هفدهم میلادی، دولت‌ها برپایه سرزمینهای مشخص، استقلال و موضوعات سیاسی خاص خود به تنها نهادهای مشروع نظام سیاسی در اروپا تبدیل شدند.» (جکسون و سورنسون، ۱۳۸۳: ۳۲) به دنبال فرایند استعمارزدایی چنین دولتهایی در سراسر کره زمین استقرار یافتند. در چنین نظامی، دولت‌ها مهمترین بازیگران سیاسی عرصه سیاست بین‌الملل هستند و از حق حاکمیت تام و تمام بر قلمروی سرزمینی خود برخوردارند. به واقع، حق حاکمیت مهمترین هنجار نظم وستفالی است و دولت‌ها به شدت نسبت به آن حساس هستند و در برابر هرگونه عاملی که تضعیف‌کننده حاکمیت تلقی شود مقاومت می‌کنند.

حامیان جهانی شدن سیاست دقیقاً همین هنجار حاکمیتی را به چالش می‌کشند و معتقدند که نیروهای جهانی شدن سبب تضعیف حاکمیت کشورها شده است. جهانی شدن به طرق متعدد سبب تضعیف حاکمیت دولت‌ها شده است: نخست اینکه به اولویت‌های سیاسی فردی مجدداً جهت دهی می‌کند؛ در وهله دوم، دولت-ملت را به عنوان نیرویی موجه در حل مشکلات

نمی‌بیند؛ و سوم اینکه سازمانهای بین‌المللی جدیدی تاسیس می‌شوند که دولتها با وجود آنها برخی اهرمهای حاکمیت خود را از دست می‌دهند. (صالحی امیری و عظیمی دولت آبادی، ۱۳۸۷: ۷۵)

بی‌تردید نیروهای مادی جهانی شدن کنترل دولتها بر بسیاری از جنبه‌های حیات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را تضعیف کرده‌اند. مواردی مانند شرکت‌های جهانی، رسانه‌های گروهی جهانی، ماهواره‌های تصویربرداری و شناسایی، معضلات زیست‌محیطی جهانی و شبکه‌های انتقال ارزهای دیجیتال از کنترل دولتها کاسته‌اند. دولتها نیز در مواجهه با چنین نیروهایی تلاش می‌کنند تا حد ممکن کنترل خود را بر چنین فضاهاهایی افزایش دهند و یا به مقابله با آن برخیزند. مواجهه کشورها با پدیده‌های دیجیتال و نفوذ روزافزون این ارزها در فضاها اقتصادی و اجتماعی در این زمینه قابل توجه است. کشورها به‌طور روزافزون احساس می‌کنند که باید مقرراتی را در این زمینه وضع کنند و حتی برخی کشورها استفاده از این ارزها را ممنوع کرده‌اند. الجزایر، بولیوی، چین، لندونزی و ترکیه در زمره کشورهای هستند که محدودیتهای جدی در خصوص استفاده از ارزهای دیجیتال وضع کرده‌اند. پوشش مواجهه دولتها با ارزهای دیجیتال یکی از نمودهای بارز تقابل و تعامل میان نیروهای تمرکزگرای جهانی شدن و حاکمیت دولتهاست.

دومین جنبه تعامل و تقابل نیروهای جهانی شدن و دولتها به تحمیل هنجارها و ارزشهای جهان شمول بر دولتها بازمی‌گردد. گسترش نیروهای دموکراسی‌سازی و سرمایه‌داری لیبرال به شدت بر نظامهای سیاسی واگرا با این نیروها اعمال فشار می‌کنند و همین مساله به نوعی واکنش منفی در برخی کشورها را پدید آورده است که جهانی شدن نوعی پروژه جهانی است که طی آن قدرتهای غربی می‌خواهند هنجارها و خواستههای خود را بر دیگر نقاط جهان اعمال کنند. در عین حال، مزایای همراهی با نیروهای جهانی شدن می‌تواند موجها و گرایشهای سیاسی همسو با غرب در جوامع درحال توسعه ایجاد کند. (حسین زاده، ۱۳۸۹: ۱۸)

جنبه سوم تاثیرگذاری جهانی شدن بر حاکمیت دولتها به توانمندسازی فزاینده افراد و گسترش شبکه‌های اجتماعی جهانی مربوط است. ارتباطات افراد در بستر اینترنت از طریق این شبکه‌های اجتماعی جهانی افزایش یافته است و پیوندهای فراسرزمینی مستحکمی بین جوامع انسانی ایجاد کرده است. این شبکه‌های اجتماعی نقش بسیار قابل توجهی در زمینه افزایش آگاهی شهروندان دارند. شهروندان کشورها به‌طور فزاینده‌ای تحت تاثیر نیروهای جهانی شدن هستند و با دغدغه‌های جهانی مانند تغییرات اقلیمی، رعایت حقوق بشر و حمایت از حقوق زنان همدلی و همراهی می‌کنند.

علی‌رغم گسترش و نفوذ فزاینده نیروهای جهانی شدن، دولتها موفق شده‌اند نقش حاکمیتی را در چنین فضایی بازیابی کنند. به‌واقع، پس از پایان جنگ سرد این خوش‌بینی مفرط پدید آمده بود که جهان با تهدید امنیتی قابل توجهی روبرو نیست و چشم‌انداز جنگ بین‌المللی نیز آن را تهدید نمی‌کند و در چنین فضایی از مرگ حاکمیت و نابودی نهاد دولت-ملت نیز صحبت می‌شد. اما حملات یازده سپتامبر ۲۰۰۱ نقطه عطفی در این مسیر بود و با حاکم شدن فضای سنگین امنیتی بر گفتمانهای موجود در جامعه بار دیگر نقش دولت به‌عنوان نیروی اصلی تضمین‌کننده امنیت مطرح شد. در چنین فضایی دولتهایی مانند ایالات متحده تحت لوای مبارزه با تروریسم قوانینی وضع کردند که آزادی و حقوق مدنی شهروندان را به نفع امنیت و حاکمیت دولتی تحدید می‌کرد. از سوی دیگر، با افزایش قدرت چین و نگرانی ایالات متحده و روسیه نسبت به جایگاه خودشان در نظم قدرت جهانی بار دیگر گفتمان رقابت قدرتهای بزرگ جان تازه‌ای گرفته و احیا شده است.

بنابراین، نیروها و آموزه‌های نظم و ستفالی یعنی حاکمیت دولت و بازیگری دولت در عرصه سیاست بین‌الملل در بافت سیاست جهانی شده در کنار نیروهای بسیار قدرتمند جهانی شدن به حیات و فعالیت خود ادامه می‌دهند و تقابل و تعاملی بسیار پویا بین این دو برقرار است و هر یک سعی در غلبه بر دیگری دارد.

آموزه‌های وستفالیایی حاکمیت دولتی بر تمایز خود و دیگری تاکید دارند و همچنان تعریف مضیقی از مفهوم امنیت ارائه می‌کنند. به‌هرمیزان که در منطقه‌ای از جهان چنین آموزه‌هایی همچنان برجستگی قابل توجهی داشته باشند استراتژی رقابت اجتماعی به‌گزینه‌ای موجه و قابل قبول برای دولتها تبدیل می‌شود. به‌عبارت دیگر، جهانی شدن با درهم‌تنیدگی اجتماعی و

اقتصادی و فرهنگی در روابط جهانی سبب میشود تا دولتها اقبال چندانی به اتخاذ رقابت اجتماعی نداشته باشند اما هرگاه تاثیرپذیری کشور یا منطقه ای از جهان از فرایندهای جهانی شدن کم باشد و یا نیروهای نظم و ستفالیایی مجدداً غلبه خود را به دست بیاورند، دولتها استراتژی رقابت اجتماعی را استراتژی مقبول و موجهی خواهند یافت.

۳-۳- جهانی شدن و خلاقیت اجتماعی

گاهی اوقات که بازیگران بین‌المللی گروههای مرجع را باثبات یا مشروع بدانند، برای اثبات منزلت خود به اقدامات متفاوتی مانند ارائه تعریف یا چهره جدیدی از خود یا گسترش ارزشها و هنجارهای جدید دست می‌زنند و البته موفقیت استراتژی خلاقیت اجتماعی در گروی آن است که این ارزشها و هنجارهای جدید مورد پذیرش دیگران قرارگیرد.

برای درک بهتر تاثیر جهانی شدن بر گزینش استراتژی خلاقیت اجتماعی توسط دولتها باید به تاثیر جهانی شدن بر مفهوم قدرت در عرصه بین‌المللی توجه داشت. مفهوم قدرت و منابع آن به شدت تحت تاثیر فرایند جهانی شدن قرار گرفته است. گسترش و تأثیر گذاری سازمانهای بین‌المللی فراملی و سازمانهای مردم‌نهاد، گسترش رسانه‌های اجتماعی و فضای مجازی و اینترنت تأثیر جدی بر افکار عمومی و نفوذ بر مخاطبان دارد. این تأثیرگذاری به حدی است که مفهوم قدرت دگرگون شده و مفاهیمی نظیر قدرت نرم و دیپلماسی عمومی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. ماهیت و خصوصیت قدرت در عصر شدن جهانی را میتوان به شرح زیر بر شمرد:

- قدرت دیگر صرفاً به حاکمیت و حکومت محدود نمی‌شود.

- قدرت از محدوده خشونت تا حدود زیادی رهایی یافته است.

- قدرت ناشی از روابط است.

- قدرت به شکل سایبرنتیکی و شبکه‌ای قابل بررسی است.

- قدرت نیازمند ارتباطات آزاد است.

- قدرت ناشی از توافق است.

- دانش در تولید قدرت بالاترین اولویت را دارد. (اخوان زنجانی، ۱۳۸۱: ۱۷۸)

به واقع، جهانی شدن مسیرها و کانالهای جدیدی را برای بیان قدرت و حتی افزایش قدرت ارائه کرده است. قدرتهای بزرگ با بهره‌گیری از جهانی شدن می‌توانند قدرت خود را به ویژه در بعد اقتصادی افزایش دهند و دولتهای کوچک‌تر و ضعیف‌تر نیز می‌توانند با استفاده از قدرت نامتقارن در فضای جهانی شده قدرتهای بزرگ را به چالش بکشند. دولتها در محیط جهانی شده هرچه بیشتر درمی‌یابند که قدرت دیگر به نظامیگری کلاسیک محدود نیست و دولتهایی که در آموزش مهارتها و فناوریهای پیشرفته سرمایه‌گذاری می‌کنند از مزیت نسبی برخوردار خواهند بود. نیروهای جهانی شدن هرچه بیشتر کشورها را به سمت استفاده از قدرت نرم سوق می‌دهند. قدرت نرم بر توانایی شکل دادن به ترجیحات دیگران استوار است و از سه منبع فرهنگ، ارزشهای سیاسی و سیاست خارجی سرچشمه می‌گیرد. رسانه‌های جدید از منابع عمده تهدید و فرصت نرم محسوب می‌شوند. فناوریهای جدید ارتباطی با ویژگی‌هایی که دارند به خوبی نقش تحوّل‌آفرین در فرهنگ، ارزشها و سیاست خارجی را انجام می‌دهند.

یکی از ابزارهای نمایش و پیشبرد قدرت نرم، دیپلماسی عمومی است. بالندگی دیپلماسی عمومی در عصر جهانی شدن از تغییرات جدید در این عصر حکایت دارد به گونه‌ای که بازیگران جدید ظهور کرده‌اند و سازمانها و نهادهای مردمی اهمیت ویژه یافته‌اند؛ سازوکارهای ارتباطی بازیگران برای برقراری و جلب اعتماد مردم تغییر کرده است؛ این تغییر با توجه به ویژگی‌های رسانه‌های جدید به سمت فناوریهای جدید اطلاعاتی و ارتباطی در حرکت است.

دیپلماسی سنتی غالباً بر قدرت سخت یعنی استفاده از توان نظامی یا اقتصادی برای دستیابی به اهدافش تکیه داشت اما دیپلماسی عمومی غالباً از قدرت نرم یعنی نیروهای فرهنگی، سیاسی و آموزشی استفاده می‌کند. دیپلماسی عمومی موجب می‌شود تا افکار و ایده‌هایی مورد تحسین قرار گیرند که موجب جلب و جذب مخاطبان می‌گردند.

اگر به تعریف خلاقیت اجتماعی رجوع کنیم متوجه می‌شویم که تاکید اصلی بر ارزشها و تواناییهای خاص دولت است. جهانی شدن با هموارکردن مسیر اعمال قدرت نرم به نوعی کشورها را تشویق می‌کند تا با به کارگیری خلاقیت اجتماعی توان خود برای نمایش قدرت نرم را به افزایش دهند و در عرصه‌های جدیدی به دنبال کسب پرستیژ و منزلت باشند. همین مساله در بسیاری از حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز جریان دارد و نیروهای جهانی شدن محیطی را پدیدآورده‌اند که دولت‌ها با به کارگیری خلاقیت اجتماعی می‌توانند منزلت خود را ارتقا بخشند. بنابراین جهانی شدن محیط و بافت مساعدی برای به کارگیری خلاقیت اجتماعی فراهم کرده است.

۴- منزلت طلبی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در فضای جهانی شده

۴-۱- رقابت اجتماعی

از منظر تاثیر جهانی شدن بر پویسهای منزلت طلبی در خاورمیانه باید اشاره داشت که در جدال میان نیروهای جهانی شدن که حاکمیت کشورها را در راستای درهم تنیدگی سیاسی و اقتصادی و نزدیک شدن کشورها به یکدیگر و نیروهای نظم و ستفالیایی که همچنان بر خدشه ناپذیری حاکمیت دولتی تاکید دارند، نیروهای نظم و ستفالیای همچنان در خاورمیانه دست برتر را دارند و به ویژه این مساله پس از حملات یازده سپتامبر ۲۰۰۱ تشدید شد و بار دیگر بر مفهوم مضیق امنیت و اهمیت نیروهای نظامی تاکید گردید.

علت بنیادین روی آوردن جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی به رقابت اجتماعی فقدان سیستم امنیت دسته جمعی و وجود معضل امنیت در خاورمیانه است. این کشورها تلقی‌های متفاوتی از تامین امنیت و تهدیدات دارند و تاکنون نتوانسته‌اند به نگاه مشترک عمیقی در باب امنیت دست یابند. وجود ناآرامیهای داخلی در کشورهای منطقه، اختلافات مرزی و جنگهای منطقه‌ای همه بیانگر وضعیت وخیم امنیتی در منطقه خلیج فارس است. در بافت روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی با دو بازیگر فرادست و فرودست روبرو نیستیم بلکه با قدرتهای منطقه‌ای مواجهیم که هریک در برخی ابعاد قدرت دارای برتری هستند و در عین حال سعی کرده‌اند نقاط ضعف خود را با ابزارهایی که در اختیار دارند جبران کنند. جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی هر دو خود را دو قدرت منطقه‌ای می‌بینند و در سودای اثبات خود به عنوان قدرت برتر منطقه هستند. پس از خروج بریتانیا، ایران و عربستان سعودی تلاش کردند تا به قدرت برتر منطقه‌ای تبدیل شوند. ایران در دهه ۱۹۷۰ بیشترین نقش را در تحولات منطقه‌ای ایفا می‌کرد و به نوعی نظرات خود را بر منطقه تحمیل می‌کرد. ایران در دهه ۱۳۵۰ هجری شمسی و به ویژه پس از افزایش قیمت نفت و خریدهای گسترده تسلیحاتی بر این باور بود که باید از جانب دیگر کشورهای منطقه خلیج فارس از جمله عربستان سعودی به عنوان قدرت اصلی در منطقه شناخته شده و مورد احترام و همراهی قرار گیرد. اما بازیگران عرب منطقه از جمله عراق و عربستان سعودی خواهان وضعیت مستقل تری بودند و تمایلی به قرارگرفتن در زیر چتر امنیتی ایران نداشتند. ایران پس از خروج بریتانیا خلیج فارس را منطقه حیاتی خود دانست و معتقد بود که خلأ قدرت ایجاد شده نباید توسط هیچ قدرت خارج از منطقه پر شود. ایران و عربستان سعودی با جاه طلبی و بلندپروازی تلاش کردند تا تعیین کننده مسائل امنیتی در منطقه باشند. (Gause, 2004, p.246) پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نقش آفرینی ایران و عربستان در مسائل منطقه‌ای بیشتر ماهیت رقابتی داشته است. در ادامه برخی علل که دستیابی به نگاه مشترک امنیتی میان ایران و عربستان سعودی را تضعیف می‌کنند بررسی می‌شود.

۴-۱-۱- مرکزگرایی اسلامی - وهابی در مقابل ام القری

عربستان سعودی خود را رهبر جهان اسلام تلقی می‌کند و آموزشهای اسلامی مبتنی بر گسترش وهابیت را در بسیاری از نقاط جهان تامین مالی می‌کند. عربستان سعودی نوعی از انحصارگرایی را دنبال می‌کند و نگاه پذیرایی نسبت به دیگر قرائتها از اسلام ندارد. بدین معنا، عربستان سعودی با اسلام انقلابی -شیعی در ایران و جنبش اخوان المسلمین در جهان اهل سنت مقابله می‌کند. در نقطه مقابل دیدگاه جمهوری اسلامی ایران برای تشکیل امت واحده و ام القری بودن در جهان اسلام قرار دارد. بدین معنی جمهوری اسلامی ایران نیز داعیه رهبری بر جهان اسلام را دارد. ویژگی مهم و اصلی ام القری این است که در آن سرزمین، نخست حکومت اسلامی مستقر شده است و دوم صلاحیت و گستره رهبری ام القری نسبت به کل امت اسلامی در آن پدید آمده است؛ یعنی این رهبری، لیاقت ولایت برکل امت را دارد. (لاریجانی، ۱۳۷۵: ۲۵).

۴-۱-۲- نگاه متفاوت نسبت به نقش آفرینی قدرتهای بزرگ

کشورهای عرب خلیج فارس از جمله عربستان سعودی ایالات متحده را تضمین‌کننده امنیت خود می‌دانند و سالانه تسلیحات زیادی را اتباع می‌کنند. در چنین نگاهی این کشور امریکاست که بازیگر اصلی سیاست و امنیت در خلیج فارس است. مایکل کریگ معتقد است که ایالات متحده پس از سال ۲۰۰۱، استراتژی هژمونی را در خلیج فارس دنبال کرده است که در بافت خود تامین کننده امنیت برای دوستان و متحدان ایالات متحده است. امریکا تسلیحات پیشرفته به شورای همکاری خلیج فارس می‌دهد و در روابط اقتصادی خود امتیازاتی برای این کشورها در نظر می‌گیرد. (Kraig, 2004: 142) نگاه کشورهای مانند عربستان به ایالات متحده نشان می‌دهد که این کشورها توانایی لازم برای دفاع از خود را به تنهایی ندارند و نیازمند دکرین‌های دفاعی منطقه‌ای نیستند. بدین ترتیب، روابط نظامی ایالات متحده و عربستان سعودی جو بی‌اعتمادی را در خلیج فارس افزایش داده است و ایران و عربستان سعودی نتوانسته‌اند بدون تاثیر گذاری عامل خارجی در مورد مسائل نظامی و امنیتی مذاکره کنند. (Macmillan et al, 2003: 165)

جمهوری اسلامی ایران نگاه کاملاً متفاوتی را در زمینه تامین امنیت دنبال می‌کند. مقابله با نظام سلطه و استکبار، تحقق عدالت در محیط بین‌المللی، نگاه امت‌گرایانه و حمایت از جنبش‌های اسلامی و مستضعفان جهان در زمره اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار دارد. جمهوری اسلامی ایران آمریکاستیزی را از عناصر اصلی سیاست خارجی خود می‌داند و امروزه جمهوری اسلامی ایران کانون مبارزات ضد آمریکایی در جهان است. ایران برای مقابله با آمریکا روی پیوندهای نزدیک سیاسی و اقتصادی ایران با چین و روسیه و نیز پیوستن به سازمان همکاری شانگهای حساب ویژه‌ای باز کرده است.

۴-۱-۳- نگاه متمایز نسبت به مناقشه اعراب - اسرائیل

نوع نگاه جمهوری اسلامی ایران به اسرائیل و تلقی از این رژیم سیاسی به عنوان واحدی نامشروع، موضوعی خاص و منحصر به فرد است. از دید جمهوری اسلامی، اسرائیل غاصبی است که حق و سرزمین فلسطینیان را غصب کرده است، برمسلمانان فلسطینی ظلم می‌کند و حقوق آنان را به بیگانگانی می‌دهد که از سایر نقاط جهان به فلسطین آمده بودند. در این زمینه رهبران ارشد جمهوری اسلامی از اسرائیل با عنوان غده سرطانی یاد می‌کنند و به نابودی و محو آن از جغرافیای سیاسی جهان باور دارند (مشیرزاده و مصباح، ۱۳۹۰: ۲۶۰ - ۲۵۰).

جمهوری اسلامی ایران در این باب نگاه ویژه‌ای نیز به جنبش‌های آزادیبخش فلسطینی دارد. ماهیت عدالت‌خواهانه، ضددیکتاتوری و استقلال‌خواهانه انقلاب ایران نوعی هم‌نوایی با سایر انقلاب‌ها و جنبش‌های آزادی‌خواهانه برقرار ساخت. از این رو یکی از رسالت‌های جمهوری اسلامی حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش جهان در راستای استراتژی صدور انقلاب تعریف شد. استراتژی حمایت از جنبش‌های آزادیبخش در شرایط کنونی در قالب استراتژی حمایت از محور مقاومت دنبال

می‌شود که نابودی اسرائیل و آزادی قدس و تشکیل دولت مستقل فلسطینی از اهداف آن است. حمایت از گروه‌های حزب الله و حماس و جهاد اسلامی و اخیراً تشکیل نیروهای شبه نظامی متعدد در عراق و سوریه همگی در راستای این استراتژی دنبال می‌شود. این استراتژی در کنار حمایت مستقیم از این گروه‌ها تمامی بازیگرانی که به نحوی در خصوص آرمان مقاومت مباحثات می‌کنند نیز هدف گرفته و از آنها انتقاد کرده و یا با آنها مبارزه می‌کند. در نقطه مقابل، عربستان سعودی علی‌رغم ابراز نگرانی نسبت به مصائب مردم فلسطین، سیاست متعادل‌تری اتخاذ کرده‌اند.

در جمع بندی مباحث مربوط به رقابت اجتماعی میان جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی باید اشاره داشت که جمهوری اسلامی ایران به واسطه اقتدار طبیعی خود خواهان روابطی مبتنی بر الگوهای احترام و تمکین است اما عربستان سعودی با تکیه بر امریکا و حتی اخیراً با نزدیک شدن به اسرائیل نه تنها تمایلی به تن در دادن به چنین اقتداری ندارد بلکه سعی در به چالش کشیدن آن دارد. عربستان سعودی تلاش دارد تا از منظر خود ایران را به اصطلاح مهار کند. مهم‌ترین استراتژی سیاست خارجی در منظر عربستان سعودی، استراتژی مهار جمهوری اسلامی ایران است. بررسی سخنان مقامات عربستان سعودی در چند سال اخیر نشان می‌دهد که عربستان سعودی، جمهوری اسلامی ایران را تهدید شماره شماره یک خود تلقی می‌کند و از هر ابزاری برای مقابله با نفوذ ایران استفاده می‌کند. عربستان سعودی در یمن و بحرین به مداخله مستقیم نظامی پرداخت تا از نفوذ و حضور جمهوری اسلامی ایران در این کشورها بکاهد و در سوریه نیز تامین مالی گسترده گروه‌های نظامی که علیه بشار اسد و منافع جمهوری اسلامی ایران در سوریه می‌جنگید در دستور کار عربستان سعودی قرار گرفت.

عربستان سعودی در شرایطی که ایالات متحده از کاهش حضور خود در خاورمیانه و خلیج فارس و متمرکز شدن بر شرق آسیا سخن می‌گفت، با دیپلماسی فعال و هزینه‌های گسترده در قالب قراردادهای نظامی، تلاش کرد تا همچنان تضمینات امنیتی لازم را از ایالات متحده دریافت کند. سیاست قابل توجهی که عربستان سعودی و کشورهای عرب حاشیه جنوبی خلیج فارس جهت مهار جمهوری اسلامی ایران به کار گرفته‌اند، نزدیکی به اسرائیل است. باز کردن پای اسرائیل به تحولات منطقه خلیج فارس از نظر این کشورها سبب اعمال فشار بیشتری به جمهوری اسلامی ایران خواهد شد. شایان ذکر است که اخیراً ایران و عربستان سعودی با میانجی‌گری چین اقدام به برقراری مجدد روابط دیپلماتیک کرده‌اند اما عوامل بنیادین فوق همچنان در جریان است و کشورها هر چند در سطح اعلانی از تلاش برای رفع اختلافات صحبت می‌کنند اما در سطح عملی همچنان سعی در کنترل و مهار یکدیگر دارند.

جمهوری اسلامی تمایلی نداشته است که به عربستان سعودی به عنوان یک قدرت برابر با خود بنگرد و عربستان سعودی نیز تمایلی به پذیرش علنی برتری ایران نداشته است. بدین ترتیب در فقدان سیستم امنیت دسته جمعی گزینه رقابت اجتماعی به عنوان گزینه در دسترس و مقبول برای دو کشور جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی جلوه می‌کند.

۴-۲- تحرک اجتماعی

برای اینکه استراتژی تحرک اجتماعی به عنوان گزینه مطلوب و بهینه در دسترس کشورها قرار گیرد می‌بایست در بعد سیاسی و اقتصادی نهادها و گروه بندیهای جامع و فراگیری وجود داشته باشد تا کشورها برای پیوستن به آنها استراتژی تحرک اجتماعی را اتخاذ کنند. نگاهی به روابط سیاسی و اقتصادی کشورهای این منطقه نشان می‌دهد که درهم تنیدگی قابل توجهی در این منطقه در این ابعاد صورت نگرفته است. همانگونه که در مباحث مربوط به رقابت اجتماعی اشاره شد کشورهای این منطقه در دهه های اخیر عمدتاً درگیر رقابت با یکدیگر بوده‌اند و سعی در مهار یکدیگر داشته‌اند. عربستان سعودی پیش از انقلاب اسلامی ایران تمایلی به فرارگرفتن در سازمان یا پیمان مشترک دفاعی با محوریت ایران نداشت و فراگیرترین نهاد سیاسی منطقه یعنی شورای همکاری خلیج فارس نیز به واقع در پاسخ به تهدید ایران تشکیل شد. همسایگان ایران در

خلیج فارس نسبت به انقلاب ایران واکنش نشان دادند و طرحهایی مانند تشکیل صندوق صد میلیون دلاری برای خرید مین‌روب و تأسیس رادارهای ساحلی و تشکیل نیروی دریایی چند ملیتی مطرح شد. (Chubin, 1989: 154) احساس خطر از گسترش انقلاب ایران در دولت‌های عرب خلیج فارس دیده می‌شد (رمضانی، ۱۳۸۰: ۶۷) این دولت‌ها جمهوری اسلامی ایران را دشمن خود تلقی می‌کردند و در خلال جنگ از عراق حمایت کردند. (Chubin, 1989: 154)

با شروع جنگ، جبهه ای علیه ایران توسط کشورهای عرب خلیج فارس تشکیل شد و ایران در انزوا فرو رفت. جمهوری اسلامی ایران پس از پایان جنگ با نگاهی عملگرایانه سعی در بهبود روابط خود با کشورهای منطقه داشت و سعی کرد عراق را محدود کند و روابط خود با دولت‌های عضو شورای همکاری خلیج فارس را گسترش دهد و بر سیاست‌های نفتی منطقه اعمال نفوذ بیشتری داشته باشد و به نوعی تنش زدایی و آشتی‌جویی با دولت‌های عضو شورای همکاری خلیج فارس دست بزند. (رمضانی، ۱۳۸۰: ۸۸) جمهوری اسلامی ایران معتقد بود که همه دولت‌ها باید در ترتیبات امنیتی منطقه شرکت داشته باشند و با عنایت به دکترین «خودتکایی»، با حضور نیروهای بیگانه در منطقه مخالف بود. (مسعودی، ۱۳۸۳: ۹۴) در نقطه مقلیل، عربستان سعودی تأمین امنیت خلیج فارس را بدون حضور قدرت خارجی متصور نبود و در نگاه کشورهای عرب منطقه، ایران جایی در ترتیبات امنیتی منطقه نداشت.

اگرچه عربستان سعودی در سال ۲۰۰۰ در بهبود روابط با ایران پیشقدم شد و دو کشور در آوریل ۲۰۰۱ یک قرارداد امنیتی و در جولای ۲۰۰۳، یادداشت تفاهم همکاری قضایی امضا کردند اما پس از وقوع بهار عربی در سال ۲۰۱۱، منافع دو دولت در کشورهای بحرین، سوریه، عراق، لبنان و یمن در تعارض آشکار قرار گرفته و رقابت برای پیشینه سازی نفوذ در منطقه تشدید شده است. بدین معنی، پس از سال ۲۰۱۱ رقابت نسبتاً پنهان به تعارض منافی آشکار بدل شده و رویارویی دو کشور در مناطقی به شکل جنگ‌های نیابتی عیان شده است. هرچند در گفتمان امنیتی جمهوری اسلامی ایران با اشاره به مفاهیمی چون تعریف عمق استراتژیک در خارج از مرزهای ایران بر نیات و انگیزه امنیت طلبانه تأکید شده است اما عربستان سعودی چنین تلقی از اقدامات ایران نداشته است.

بدین ترتیب وضعیت روابط عمدتاً رقابتی میان بازیگران دولتی در منطقه خاورمیانه مانع از آن شده است که نهادها و مجامع فراگیری تشکیل شود و یا مفاهیم مشترکی از امنیت شکل گیرد که سبب ایجاد نوعی جامعه امنیتی مبتنی بر ارزشهای مشترک شود. در چنین بافتی از سیاست در خاورمیانه استراتژی تحرک اجتماعی کارایی چندانی برای دولت‌ها نداشته است.

۴-۳- خلاقیت اجتماعی

استراتژی خلاقیت اجتماعی همانگونه که از عناصر اصلی آن برمی آید مبتنی بر تأکید بر ارزشها یا تواناییهای خاص دولت است و شاخص‌هایی مانند ترویج هنجارهای جدید یا مدل توسعه و ارایه معیارهای جدید را دربرمی گیرد. از منظر جمهوری اسلامی ایران اصول سیاست خارجی کشور از قبیل تقابل با نظام سلطه و استکبار و تحقق عدالت بین‌المللی و نگاه امت‌گرایانه و حمایت از مستضعفان جهان به مثابه هنجارهای نوین برای جامعه بشری هستند اما همانگونه اشاره شد موفقیت استراتژی خلاقیت اجتماعی نیازمند پذیرش از سوی دیگران است. هنگامی که یک دولت صرفاً بر اساس منظومه ارزشی خود به اتخاذ استراتژی خلاقیت اجتماعی می‌پردازد ممکن است با اقبال و پذیرش از سوی دیگران مواجه نشود و حتی ممکن است برداشتهایی کاملاً متفاوت از سوی بازیگران دیگر صورت گرفته و منجر به بازخورد منفی شود. نظر به اینکه جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی اگر گام‌هایی در راستای خلاقیت اجتماعی برداشته اند صرفاً بر اساس منظومه هویتی و ارزشی خود عمل کرده اند، اتخاذ استراتژی خلاقیت اجتماعی از سوی این کشورها چندان موفقیت آمیز نبوده است و نیل به موفقیت در این عرصه نیازمند همگامی بیشتر با ارزشها و هنجارهای جهان شمول است.

همانگونه که پیش تر اشاره شد جهانی شدن با هموارکردن مسیر اعمال قدرت نرم به نوعی کشورها را تشویق می‌کند تا با به کارگیری خلاقیت اجتماعی توان خود برای نمایش قدرت نرم را به افزایش دهند و در عرصه های جدیدی به دنبال

کسب پرستیژ و منزلت باشند. همین مساله در بسیاری از حوزه های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز جریان دارد و نیروهای جهانی شدن محیطی را پدیدآورده اند که دولتها با به کارگیری خلاقیت اجتماعی می توانند منزلت خود را ارتقا بخشند. بنابراین جهانی شدن محیط و بافت مساعدی برای به کارگیری خلاقیت اجتماعی فراهم کرده است. جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در چنین فضای مساعدی جهت به کارگیری خلاقیت اجتماعی بایست همراهی و پای بندی بیشتری به هنجارها و ارزشهای جهانشمول از خود نشان دهند.

۵- نتیجه

یافته های پژوهش نشان می دهد که جهانی شدن با گسترش نهادها و رژیمهای بین المللی و همچنین با فراهم آوردن بافت و محیط مساعد جهت نمایش و بروز ارزشها و تواناییهای خاص دولتها در عرصه قدرت و با کاستن از اهمیت نظامیگری و مقولات دیپلماسی کلاسیک، اتخاذ استراتژیهای تحرک اجتماعی و خلاقیت اجتماعی را برای دولتها تسهیل کرده است و محیط و بافت مساعدی را برای اتخاذ این استراتژیها فراهم کرده است. از دیگر سو، جهانی شدن با کاستن از اهمیت و بازیگری نیروهای نظم و ستفالیایی که مبتنی بر اهمیت تام و تمام حاکمیت دولتی بوده است از جذابیت به کارگیری استراتژی رقابت اجتماعی کاسته است و دشواریهای دوچندانی برای دولتها در مسیر اتخاذ این استراتژی ایجاد کرده است. همچنین مشخص شد که در منطقه خاورمیانه در جدال میان نیروهای جهانی شدن که حاکمیت کشورها را در راستای درهم تنیدگی سیاسی و اقتصادی و نزدیک شدن کشورها به یکدیگر محدود می کنند و نیروهای نظم و ستفالیایی که همچنان بر خدشه ناپذیری حاکمیت دولتی تاکید دارند، نیروهای نظم و ستفالیای همچنان دست برتر را دارند و مفهوم مضیق امنیت و اهمیت نیروهای نظامی همچنان بر نگرش کشورها حکمفرماست.

از منظر پوششهای منزلت طلبی، جمهوری اسلامی تمایلی نداشته است که به عربستان سعودی به عنوان یک قدرت برابر با خود بنگرد و عربستان سعودی نیز تمایلی به پذیرش علنی برتری ایران نداشته است و در فقدان سیستم امنیت دسته جمعی گزینه رقابت اجتماعی به عنوان گزینه در دسترس و مقبول برای دو کشور جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی جلوه می کند. از دیگر سو، وضعیت روابط عمدتاً رقابتی میان بازیگران دولتی در منطقه خاورمیانه مانع از آن شده است که نهادها و مجامع فراگیری تشکیل شود و یا مفاهیم مشترکی از امنیت شکل گیرد که سبب ایجاد نوعی جامعه امنیتی مبتنی بر ارزشهای مشترک شود. در چنین بافتی از سیاست در خاورمیانه استراتژی تحرک اجتماعی کارایی چندانی برای دولتها نداشته است. اگر چه محیط مساعدی جهت به کارگیری خلاقیت اجتماعی وجود دارد اما جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی برای تحقق این امر مهم بایست همراهی و پای بندی بیشتری به هنجارها و ارزشهای جهانشمول از خود نشان دهند.

منابع

- اخوان زنجانی، داریوش (۱۳۸۱). *جهانی شدن و سیاست خارجی*، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران.
- اشرف نظری، علی و قنبری، لقمان (۱۳۹۷). *جهانی شدن و تحول در ساخت اقتصادی کشورهای عرب خاورمیانه*، مطالعات خاورمیانه، دوره ۱، شماره ۲۵.
- جلال پور، شهره، پای فرد، کیانوش و فلاح، محمد (۱۳۹۴). *افول مفهوم دولت-ملت در عصر جهانی شدن*، فصلنامه علمی تحقیقات سیاسی و بین المللی، دوره ۷، شماره ۲۳.
- جلیوند، محسن (۱۳۸۸). *جهانی شدن و خاورمیانه: نگاهی به فرایند جهانی شدن*، نشریه علوم سیاسی، شماره ۹.
- حسین زاده، مصطفی (۱۳۸۹). «جهانی شدن و امنیت سیاسی»، *روزنامه رسالت*، شماره ۷۰۱۷.
- دهشیری، محمدرضا و غفوری، مجتبی (۱۳۹۴). *الزامات راهبردی جمهوری اسلامی ایران در قبال سیاست های خاورمیانه ای جدید امریکا، سیاست های راهبردی و کلان*، دوره ۳، شماره ۱۲.

- رمضانی، روح‌الله (۱۳۸۰) چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ترجمه علیرضا طیب، تهران، نشر نی، چاپ اول.
- سلیمی، حسین (۱۳۸۴). نظریه های گوناگون درباره جهانی شدن. تهران: انتشارات سمت.
- شاکری خوئی، احسان، محمدی ایروانلو، علی و ظهیری، صمد (۱۳۹۸). جهانی شدن و مسئله قومیت ها، فصلنامه علمی تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دوره ۱۱، شماره ۴۰.
- صالحی امیری، رضا و عظیمی دولت آبادی، امیر (۱۳۸۷). جهانی شدن و سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، پژوهشنامه متین، شماره ۴۱.
- طاهری، ابوالقاسم (۱۳۸۱). جهانی شدن و اثرات آن، مطالعات مدیریت بهبود و تحول، دوره ۹، شماره ۳۳-۳۴.
- لاریجانی، محمد جواد (۱۳۷۵) «حکومت اسلامی و مرزهای سیاسی»، حکومت اسلامی، شماره دوم، زمستان ۷۵
- مسعودنیا، حسین (۱۳۸۳) « ترتیبات امنیتی و خلیج فارس پس از اشغال عراق و نقش جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال دوم، شماره پنجم، پاییز.
- مشیرزاده، حمیرا و احسان مصباح (۱۳۹۰) «موضوع اسرائیل در گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره اول.
- یزدانی، عنایت الله و مروتی، نادر (۱۳۹۰). جهانی شدن و چالش های فراروی هویت ملی در کشورهای در حال توسعه، فصلنامه علمی تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دوره ۳، شماره ۶.

- Chubin, Sh. (1989). *Security in the Persian Gulf: The Role of Outside Powers*. Boulder: West View Press.
- Gause, G. III, F. (2004). *International Politics of the Gulf*. In Fawcett, L. (ed.) *International Relations of the Middle East*. London: Oxford University Press.
- Giddens, A. (1991) *Modernity and Self identity*. Cambridge: Polity Press.
- Morgenthau, H. J. (2006). *Politics Among Nations*. New York: Alfred Knopf.
- Kraig, M. (2004). "Assessing Alternative Security Frame work for the Persian Gulf", *Middle East Policy*, Vol. XI, No. 3.
- Larson, D.W., & Shevchenko, A. (2010). Status Seekers: Chinese and Russian Responses to US Primacy. *International Security*, 34(4), 63-95.
- Robertson, R. (1992). *Globalization*. London: Sage.